مولانا - دیوان شمس غزل ۲۴۹۹

چه نالد نای بیچاره جز آنک در دمد نایی – ببین نی‌های اشکسته به گورستان چو می‌آیی

بمانده از دم نایی نه جان مانده نه گویایی – زبان حالشان گوید که رفت از ما من و مایی

یزدانپناه عسکری

نمانده جبر مختاری به گورستان چو می‌آیی – به وقف نفخ صور آنك در دمد نایی

بمانده از دم نایی چو بودیم در من و مایی – زبان حالشان گوید نه جان مانده نه گویایی